

عنوان مقاله: تحلیلی بر موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت

روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی

مطالعه موردی: دهستان لیستر، شهرستان گچساران

بهروز محمدی یگانه^۱ - جمشید عینالی^۲ - مهدی چراغی^۳ -
فرزانه فریجی^۴

دریافت: ۹۱/۳/۱۶

پذیرش: ۹۱/۱۰/۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۵ روز نزد پدیدآوران بوده است.

چکیده:

امروزه مشارکت به عنوان یکی از عناصر ضروری جهت دستیابی به توسعه و به خصوص توسعه روستایی شناخته شده است. در همین ارتباط دولت‌ها برنامه‌های متفاوتی را جهت افزایش مشارکت روستاییان به اجرا می‌گذارند. مسئله اساسی آن است که در نواحی روستایی کشور، سطح مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی در سطح پایین قرار دارد. این روند ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی روستایی کشور را در سطح خرد و کلان به دنبال داشته است. سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود آن است که «مهمترین موانع اقتصادی و اجتماعی عدم مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی کدام عوامل می‌باشد؟». روش پژوهش حاضر توصیفی، تحلیلی، و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه و مصاحبه) بود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون توکی، کای دو، تحلیل خوشه‌ای، رگرسیون خطی، و آزمون t تک نمونه‌ای) صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش، ۱۵۸۲ خانوار ۲۰ روستای دارای شورای اسلامی و دهیاری دهستان لیستر بود که نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه از این خانوارها با استفاده از فرمول کوکران، ۱۴۳ نمونه محاسبه شد. جهت سنجش پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ و با تاکید بر همسانی درونی استفاده شد که ضریب آن برای پرسشنامه مردم ۰/۷۶۴ و برای پرسشنامه مسئولین ۰/۷۸۱ به دست آمد. نتایج پژوهش نشان داد سطح مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی در وضعیت مناسبی قرار ندارد و میان ویژگی‌های فردی روستاییان و سطح توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه با سطح مشارکت رابطه معنی‌داری وجود دارد. از دیدگاه مردم و مسئولین کمبود درآمد روستاییان به عنوان مهم‌ترین مانع مشارکت آنان در فرآیند مدیریت روستایی شناخته شد.

۱. استادیار گروه جغرافیا،
دانشکده علوم انسانی، گروه
جغرافیا، دانشگاه زنجان
behrozyeghaneh@yahoo.
com

۲. استادیار گروه جغرافیا،
دانشکده علوم انسانی، گروه
جغرافیا، دانشگاه زنجان
einalia@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و
برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه
تهران

mehdicheragi@ymail.com
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد
جغرافیا و برنامه‌ریزی
روستایی، دانشگاه زنجان
jan_afruz@yahoo.com

کلیدواژه‌ها: مشارکت، مدیریت روستایی، توسعه، دهیاری، درآمد

پایدار.

تحلیلی بر موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی

مطالعه موردی: دهستان لیشر، شهرستان گچساران

مقدمه

مشارکت مردم در روند توسعه، نزد صاحب‌نظران چنان جایگاهی دارد که گاه توسعه را معادل مشارکت دانسته‌اند و یا مشارکت را وسیله و هدف توسعه ذکر کرده‌اند (طالب و نجفی‌اصل، ۱۳۸۹). مشارکت در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری از عناصر اصلی مدیریت و رهبری به شمار می‌رود و در برگزیده تنها اعلام موافقت و گفتن بلی یا خیر نیست، بلکه فرآیند مستمری است که دخالت همه افراد، اعضای گروه و جامعه، همچنین لحاظ کردن دیدگاه‌های اعضا در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌باشد (افتخاری، ۱۳۸۹). با تقویت مشارکت، فقرا در فرآیند سیاسی و تصمیم‌گیری جامعه، در جهت توانمندسازی وارد عمل می‌شوند. این کار با رفع موانع اجتماعی و نهادی مانند رفع تبعیض‌های جنسیتی، قومی و قشری اجتماعی و تسهیل فرآیند مشارکت فعال همه اقلیت‌ها و گروه‌های منزوی شده اجتماع ممکن می‌شود. در این میان، نقش مشارکت‌های مردمی جهت موفقیت برنامه‌های توسعه به خصوص در نواحی روستایی توسط پژوهشگران بسیاری به‌عنوان عاملی بسیار مهم در نظر گرفته شد، به گونه‌ای که برنامه‌های توسعه روستایی بدون حضور مردم با شکست روبه‌رو شدند (Fitzgerald *et al.*, 2002; Franz & Robey, 1986; Puri & Sundeep, 2007).

در طی دهه‌های ۱۹۵۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ رویکردهای متفاوتی جهت دستیابی به توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه به اجرا گذاشته شد. مهمترین این رویکردها شامل تامین نیازهای اساسی و توسعه یکپارچه روستایی بود. نتیجه بررسی‌های نهادهای بین‌المللی نشان داد، اجرای برنامه‌های توسعه روستایی در این کشورها موفقیت‌های چندانی را به همراه نداشته است. بررسی‌های پژوهشگران نشان داد عدم مشارکت فعال، موثر و ماندگار روستاییان به خصوص فقرا روستایی علت این امر بوده است (Heck, 2003; Shah, 2009). در کشور، مشارکت مردم در اداره کردن امور روستا دارای سابقه بسیار طولانی است. در واقع مدیریت روستایی ریشه در عرف، عادات و سنن اجتماعی دارد (صیدی، ۱۳۸۸). بعد از انقلاب اسلامی، نهادها و ارگان‌های

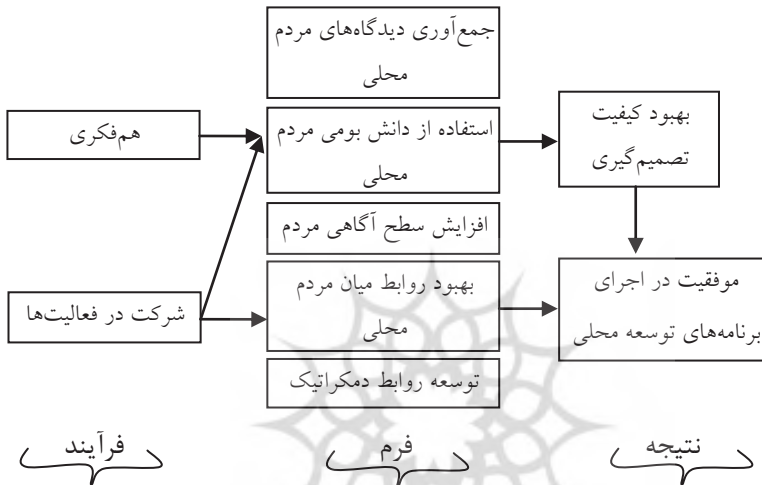
مختلفی از جمله جهاد کشاورزی، وزارت کشور، سازمان بهزیستی، سازمان تعاون، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد امام خمینی (ره) در امور روستا دخالت داشته‌اند (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳)، اما مهمترین نهادی که امروزه مسئول گسترش و جلب مشارکت‌های مردمی در نواحی روستایی کشور می‌باشد، شوراهای اسلامی و دهیاری‌هاست. ساختار مدیریت جدید روستایی در کشور از دو بخش شورای اسلامی روستا به‌عنوان نهاد تصمیم‌گیر و دهیاری به‌عنوان نهاد اجرایی تشکیل شده است. این نهاد غیردولتی، متولی عمران و توسعه روستایی در سطح نواحی روستایی است (دربان‌آستانه، ۱۳۸۹). مسئله‌ای که امروزه بسیاری از پژوهشگران روستایی کشور بر روی آن تاکید می‌کنند این است که سطح مشارکت‌های روستاییان بنا به وجود عوامل متفاوت در فرآیند مدیریت روستایی کشور بسیار پایین است (افراخته، ۱۳۸۷؛ آسایش ۱۳۷۴؛ دربان‌آستانه، ۱۳۸۴؛ رضوانی، ۱۳۸۳؛ شهبازی، ۱۳۸۹؛ عبداللهیان، ۱۳۸۵). پژوهش حاضر با هدف تبیین موانع اقتصادی - اجتماعی عدم مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی، در جهت پاسخگویی به سؤال‌های زیر تدوین شده است:

- ۱- میزان مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی در چه وضعیتی قرار دارد؟
- ۲- چه رابطه‌ای میان ویژگی‌های فردی روستاییان و سطح مشارکت آنها در فرآیند مدیریت روستایی وجود دارد؟
- ۳- مهمترین عوامل اقتصادی - اجتماعی عدم مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی کدام عوامل است؟
- ۴- چه رابطه‌ای میان سطح توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه و میزان مشارکت روستاییان وجود دارد؟

مبانی نظری پژوهش

مشارکت از نظر لغوی به معنای درگیر شدن افراد برای انجام کار است. مشارکت امری دوجانبه تلقی می‌شود که شخصی از روی میل و اراده، پذیرای آن می‌گردد و با فرد یا گروهی برای انجام کاری همیاری و همکاری می‌کند (شکوری، ۱۳۹۰). می‌توان گفت مشارکت فرآیند توانایی مستمر و با ثبات به‌منظور تعریف و تحلیل مسایل، تنظیم کردن و طرح راه‌حل‌ها، تحرک منابع و به‌کارگیری آنها در همه سطوح نیازهای توسعه مردم است. در فرآیند مشارکت کنشگران می‌توانند بر فرآیندهایی که زندگی آنها را متاثر می‌کند، نظارت و کنترل داشته باشند (Peris et al., 2011). در مشارکت تمام مردم در فرآیند تصمیم‌گیری چه به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروحو که تمایلات و علایق آنها را بیان می‌کنند، حضور دارند (Sadashiva, 2008).

وجود مشارکت در اجزای مختلف حکومت، جوهر و ماهیت ديمقراسی به شمار می‌رود (Ward, 2010). در واقع امروزه، تعهد به مشارکت دادن مردم در برنامه‌های توسعه، در قالب نهادها از ویژگی‌های اصلی دولت‌های توسعه‌مدار به شمار می‌رود (Pollard, 2010). از این رو دولت‌ها به اتخاذ رویکردهای مشارکتی در برنامه‌های توسعه روی آورده‌اند (Murray-Li, 2007; Jennings, 2007; Lange, 2008).



شکل ۱: فرآیند، فرم و نتیجه مشارکت‌های مردمی در جوامع محلی
منبع: Hophmayer & Krozer, 2008

با گسترش مفهوم مشارکت در میان دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران توسعه و به‌ویژه توسعه روستایی، عده زیادی از فعالان توسعه به ارایه راه‌کارهای نظری و عملی در جهت ترغیب و تشویق مشارکت و از طرفی اهمیت موضوع مشارکت در توسعه پرداخته‌اند. برای نمونه، گاندی خواهان تحول روستاها از طریق توسعه درونی آن‌ها و تبدیل‌شان به مکان‌هایی زیست‌پذیر و متناسب با رشد و ترقی بود (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱). در این میان موفقیت و شکست هر سازمان در دستیابی به اهداف و انجام وظایفش متکی به مدیریت آن است. روستا نیز به منزله یک سازمان فضایی زیستی، از این قاعده مستثنی نیستند (فیروزنیا، ۱۳۹۰).

در منابع علمی، تعاریف متعددی از مدیریت ارایه شده است. عده‌ای مدیریت را هنر انجام امور به وسیله دیگران توصیف کرده و بر نقش دیگران و قبول هدف از سوی آنان تاکید داشته‌اند.

گروهی مدیریت را علم هماهنگی کوشش‌های اعضای سازمان و استفاده از منابع برای نیل به اهداف معین توصیف کرده‌اند (الوانی، ۱۳۷۷). در تعریف دیگری فرآیند به‌کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی، مالی، اطلاعاتی و انسانی از طریق سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و رهبری برای دستیابی به اهداف سازمان بر اساس نظام ارزشی و چتر حاکم بر جامعیت را مدیریت گویند (موسویان، ۱۳۸۴). در این میان می‌توان مدیریت روستایی را برنامه‌ریزی برای روستا، سازمان‌دهی اقدام توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر اقدام‌های انجام شده دانست (دربان‌آستانه، ۱۳۸۴). در واقع مدیریت روستایی، علم تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی، اقتصادی و غیره در جامعه روستایی است (طالب، ۱۳۷۵).

مدیریت روستایی در فرآیند توسعه روستایی یکپارچه و پایدار نقش اساسی دارد. مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازمان‌دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰). ساختار اداره نواحی روستایی در بین کشورها به لحاظ تشکیلات سازمانی، ایدئولوژی سیاسی حاکم و سلیقه تاریخی متفاوت می‌باشد. با وجود ساختارهای متفاوت اداری، در دهه‌های اخیر حکومت محلی روستایی در بیشتر کشورها در معرض تحول چشم‌گیری بوده است. ماهیت و زمان این تغییرات با توجه به زمینه‌های ملی هر کشور متفاوت است، اما در مفهوم وسیع آن، مدیریت روستایی از دوره پدرسالاری در اوایل قرن بیستم، به دوره دولت‌گرا در اواسط قرن بیستم و به یک دوره جدید حکمروایی در قرن بیست و یکم متحول شده است (وودز، ۱۳۹۰). راهبرد جدید مدیریت روستایی باید سمت و سوی مشارکتی داشته باشد و به این نکته مهم توجه کند که دستیابی به توسعه پایدار، منوط به افزایش ظرفیت‌ها در تمام امور است. جامعه‌ای توسعه‌یافته‌تر خواهد بود که بر سرنوشت خود تسلط بیشتری داشته باشد. در غیر این صورت، اگر جامعه‌ای به سطحی از رشد اقتصادی - اجتماعی برسد، اما قدرت اختیار و انتخاب از آن سلب شود، تنها مرحله‌ای از رشد را طی کرده، ولی فاقد توسعه است (مطیعی و سخایی، ۱۳۸۸ به نقل از حسینی، ۱۳۸۶).

شکل جدید مدیریت روستایی، «مدیریت مشارکتی» نام دارد. در این شیوه مدیریتی، عناصر بیرونی تعیین‌کننده سرنوشت مردم در روستا نیستند، بلکه مردم در تعامل با دولت و بازار سرنوشت خود را رقم می‌زنند. مشارکت دادن مردم روستایی که خود‌ذی‌نفع و گروه هدف برنامه‌های توسعه‌اند، با شکل‌گیری سازمان‌های مردمی - محلی در جامعه امکان‌پذیر است. بدین ترتیب زمینه‌ای فراهم می‌شود تا نهادهای مشارکت‌کننده و همکاران طرح‌ها به طور بالقوه کار تسهیل‌گری را انجام دهند (افتخاری، ۱۳۸۶). در سال‌های اخیر، توسعه روستایی در قالب توسعه مشارکتی و نهادگرایی مطرح شده که ابعاد توسعه روستایی یکپارچه، همراه با مشارکت مردم را دربردارد. از این منظر، عوامل متعددی بر توسعه روستایی

تأثیر گذارند که از جمله آنها می‌توان مدیریت روستایی و حضور خبرگان محلی شوراها را نام برد (پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹).

در مدیریت جدید روستایی، مشارکت دادن مردم به‌عنوان مهمترین رکن موفقیت برنامه‌های توسعه روستایی شناخته می‌شود. در این میان عوامل مختلفی باعث عدم مشارکت روستاییان می‌شود. از دیدگاه برخی از پژوهشگران سرمایه‌گذاری به همراه توسعه زیرساخت‌ها در نواحی روستایی در راستای کاهش فقر این نواحی، مهمترین عامل عدم مشارکت روستاییان به شمار می‌رود، بنابراین دولت‌ها می‌توانند با اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی سطح مشارکت روستاییان را افزایش دهند (Leal, 2007; Jennings, 2007). از نظر برخی دیگر هم، ضعف زیرساخت‌های فرهنگی و پایین بودن سطح دانش و عدم آگاهی از فواید مشارکت، مهم‌ترین موانع مشارکت روستاییان به شمار می‌رود (Zhang, 2011).

بنابراین می‌توان گفت، پیش‌نیاز افزایش مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی، وجود رویکردی سیستمی و یکپارچه همراه با نگرش توسعه‌پایدار است تا هم موانع عدم مشارکت روستاییان کاهش یابد و هم روند توسعه روستایی تسهیل شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع، کاربردی و از نظر درجه نظارت و کنترل میدانی و از نظر ماهیت و روش به صورت توصیفی، تحلیلی است. در پژوهش حاضر، ابتدا به بررسی سطح مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی پرداخته شد، سپس به تجزیه و تحلیل رابطه میان ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان و سطح مشارکت آنها و در ادامه به بررسی موانع اقتصادی و اجتماعی مشارکت روستاییان از دیدگاه مردم و مسئولین (شاخص‌های جدول ۱) و در آخر به بررسی رابطه میان میزان مشارکت روستاییان و سطح توسعه‌یافتگی روستاهای دارای دهیاری و شورای اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه و مصاحبه)، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون توکی، کای دو، تحلیل خوشه‌ای و رگرسیون خطی، و آزمون t تک نمونه‌ای) صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش، روستاهای دارای شورای اسلامی و دهیاری دهستان لیستر استان کهگیلویه و بویراحمد بود. این دهستان در سال ۱۳۸۵، دارای ۳۰ روستا، ۱۶۹۲ خانوار و ۸۰۶۷ نفر جمعیت بود که ۲۰ روستای آن دارای شورای اسلامی و دهیاری بودند. تعداد خانوارهای این روستاها به‌عنوان جامعه آماری برابر با ۱۵۸۲ خانوار بود، بنابراین تعداد نمونه لازم جهت پرکردن پرسشنامه از این خانوارها با استفاده از فرمول

کوکران، ۱۴۳ نمونه محاسبه شد. به منظور سازگاری درونی و روایی پرسشنامه، گویه‌های طرح شده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و برای این منظور تعداد ۳۵ پرسشنامه تکمیل و پیش‌آزمون گردید که ضریب آن برای پرسشنامه مردم ۰/۷۶۴ و برای پرسشنامه مسئولین ۰/۷۸۱ به دست آمد.

در ادامه در راستای دستیابی به نتایج مناسب، ابتدا پرسش‌نامه‌هایی در دو سطح مسئولین که شامل دهیار هر روستا و یکی از اعضای شورای اسلامی (به طور مجموع ۴۰ نفر) و خانوارهای روستایی بودند، طراحی شد. علت طراحی دو پرسش‌نامه این بود که بتوان زمینه‌های تفاوت دیدگاه مسئولان و روستاییان را در ارتباط با عدم مشارکت روستاییان شناسایی و جنبه‌های مشترک این دو گروه جهت ارائه راه‌کارهای مناسب جهت افزایش مشارکت روستاییان را تقویت، و زمینه هم‌گرایی این دو گروه را به عنوان نیروهای درونی و بیرونی موثر در فرآیند مدیریت روستایی فراهم نمود. همچنین جهت سطح‌بندی سطح توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه از ۲۲ شاخص که در چهار بعد آموزشی، بهداشتی، اداری و زیربنایی قرار داشتند، استفاده گردید. اطلاعات مورد نیاز این شاخص‌ها از طریق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و مطالعات میدانی به دست آمد.

جدول ۱: موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی

ردیف	اجتماعی	اقتصادی
۱	مهاجرت نخبگان روستایی	کمبود درآمد روستاییان
۲	عدم نظارت بر عملکرد مدیران فعال در سطح روستا	نبود رضایت از موقعیت شغلی و اجتماعی
۳	پایین بودن سطح تحصیلات روستاییان	عدم دسترسی به منابع مالی رسمی جهت رفع نیازها
۴	وجود روحیه فردگرایی و طایفه‌گری	بیکاری و فقر بالا
۵	عدم اعتماد مردم به مدیران روستا	نبود پروژه‌های اقتصادی در سطح روستاها
۶	انتخاب مدیران غیربومی توسط روستاییان	عدم بهبود وضعیت اقتصادی در صورت مشارکت
۷	عدم آگاهی روستاییان از مزایای مشارکت	عدم وجود منافع مشترک اقتصادی میان مردم روستا
۸	وجود روحیه تقدیرگرایی در برخی روستاییان	بالا بودن هزینه‌های زندگی در روستا
۹	عدم وجود اعتماد متقابل میان دولت و روستاییان	عدم برنامه‌ریزی جهت توسعه اقتصادی روستاها
۱۰	عدم آشنایی مردم با برنامه‌های شورا و دهیاری	عدم تخصیص اعتبار و بودجه با توجه به نیاز روستا
۱۱	اختلاف بین روستاییان	ناکارآمدی پروژه‌های اقتصادی جهت جذب مردم به مشارکت
۱۲	اختلاف شخصی دهیار و مردم با شوراها	عدم هزینه‌کرد اعتبارات در چارچوب بودجه از سوی دهیاری و شوراها

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بررسی ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان نشان داد، میانگین سنی این افراد برابر با ۴۲/۴ سال، ۸۷/۹ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۱۲/۱ درصد زن، متوسط بعد خانوار برابر با ۴/۷ نفر، از نظر سطح تحصیلات ۲۴/۲ درصد افراد بی‌سواد، ۲۱/۲ درصد سواد دوره ابتدایی، ۳ درصد سواد دوره راهنمایی، ۲۱/۲ درصد سواد دوره دبیرستان، ۲۰ درصد دیپلم و ۱۰/۴ درصد افراد هم بالاتر از دیپلم بودند. از نظر وضعیت فعالیت ۱۸/۲ درصد افراد شاغل در بخش دولتی، ۳۹/۴ درصد در بخش کشاورزی، ۹/۱ درصد بازنشسته، ۱۲/۱ درصد بیکار و ۲۱/۲ درصد هم شغل آزاد داشتند. همچنین تنها ۳۰/۳ درصد افراد به میزان مطلوبی از مزایای مشارکت آگاهی داشتند.

تحلیل میانگین عددی حاصل از تحلیل سطح مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی نیز مبین پایین بودن سطح مشارکت روستاییان از دیدگاه مردم و مسئولان است. بر اساس آزمون t تک نمونه‌ای با احتساب دامنه طیفی موجود که بین ۱ تا ۵ و بر اساس طیف لیکرت در نوسان است، این میزان برای تمامی ابعاد (غیر از مشارکت در برگزاری مراسم عروسی و عزاداری) کمتر از شرایط متوسط، ۳ ارزیابی شده است. این تفاوت در سطح آلفا ۰/۰۱ معنی‌دار است و تفاوت آنها از مطلوبیت عددی نیز به شکل منفی ارزیابی و برآورد شده است.

جدول ۲: سطح مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی از دیدگاه مردم، بر اساس t تک نمونه‌ای

مؤلفه‌ها	آماره آزمون t	معنی‌داری	تفاوت	
			میانگین	حد پایین / حد بالا
میزان مشارکت در اداره امور روستا	-۸/۶۱۸	۰/۰۰۰	-۰/۷۲۷	-۰/۸۹ / -۰/۵۶
ارزیابی و بررسی میزان خدمات‌رسانی از طرف مدیران	-۷/۱۸۲	۰/۰۰۰	-۰/۶۹۷	-۰/۸۹ / -۰/۵۱
ارایه پیشنهادها و نظرها به مدیران	-۲/۶۸۷	۰/۰۰۸	-۰/۲۴۲	-۰/۴۲ / -۰/۰۶
مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی	-۱/۴۱۹	۰/۱۵۸	-۰/۱۲۱	-۰/۲۹ / ۰/۰۵
مشارکت در حل مشکلات	-۰/۶۳۱	۰/۵۲۹	-۰/۰۶۱	-۰/۲۵ / ۰/۱۳
مشارکت در برگزاری مراسم عروسی و عزاداری	۱۲/۴۲۴	۰/۰۰۰	۰/۹۷۰	-۰/۸۲ / ۱.۱۲
توجه به قوانین در ساخت‌وسازها	-۱/۶۷۶	۰/۰۹۶	-۰/۱۵۲	-۰/۳۳ / ۰/۰۳
اطلاع‌رسانی مشکلات به شوراها	-۲/۰۴۲	۰/۰۴۳	-۰/۱۸۲	-۰/۳۶ / -۰/۰۱
مشارکت در اجرای طرح‌ها	-۵/۸۳۱	۰/۰۰۰	-۰/۵۱۵	-۰/۶۹ / -۰/۳۴
مشارکت در حفظ و سالم‌سازی محیط روستا	-۲/۳۶۶	۰/۰۱۹	-۰/۲۱۲	-۰/۳۹ / -۰/۰۴

جدول ۳: سطح مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی از دیدگاه مسئولین، بر اساس t تک نمونه‌ای

مؤلفه‌ها	آماره آزمون t	معنی‌داری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
				حد بالا	حد پایین
میزان مشارکت در اداره امور روستا	-۴/۰۰۵	۰۰۳	-۰/۵۵۴	-۰/۷۷	-۰/۴۳
ارزیابی و بررسی میزان خدمات‌رسانی از طرف مدیران	-۴/۹۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۴۴۸	-۰/۵۵	-۰/۴۳
ارایه پیشنهادها و نظرها به مدیران	-۹/۲۶۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۴۵	-۰/۸۹	-۰/۰۸
مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی	-۵/۸۲۶	۰/۰۰۰	-۰/۱۵۴	-۰/۴۲	۰/۰۶
مشارکت در حل مشکلات	۰/۷۶۱	۰/۴۴۸	-۰/۰۲۷	-۰/۱۹	۰/۲۱
مشارکت در برگزاری مراسم عروسی و عزاداری	۱۰/۵۷۷	۰/۱۱۷	۰/۸۵۱	-۰/۸۷	۱/۰۴
توجه به قوانین در ساخت‌وسازها	-۵/۳۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۱۳۷	-۰/۴۵	-۰/۰۵
اطلاع‌رسانی مشکلات به شوراها	-۱/۸۸۳	۰/۰۶۲	-۰/۱۵۷	-۰/۲۸	-۰/۰۲
مشارکت در اجرای طرح‌ها	-۲/۶۴۱	۰/۰۰۹	-۰/۴۲۷	-۰/۳۷	-۰/۲۱
مشارکت در حفظ و سالم‌سازی محیط روستا	-۹/۹۵۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۷	-۰/۷۱	-۰/۰۷

بررسی رابطه میان ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان و سطح مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی با استفاده از رگرسیون خطی نشان می‌دهد، میان سن، میزان تحصیلات، میزان درآمد، مطالعه کتاب و اطلاع از مزایای مشارکت و سطح مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد با افزایش سن، سطح تحصیلات و میزان درآمد سطح مشارکت روستاییان افزایش پیدا می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که روستاییانی که به مطالعه کتاب پرداخته و از مزایای مشارکت مطلع بوده‌اند، بیشتر از روستاییان دیگر در فرآیند مدیریت روستایی مشارکت می‌کنند.

جدول ۴: رابطه بین ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان و سطح مشارکت

مؤلفه‌ها	B	انحراف معیار	ضریب Beta	t	معنی‌داری
سن	-۰/۲۹۷	۰/۴۶۳	-۰/۵۰۹	۵/۴۲۱	۰/۰۰۰
سواد	۰/۰۲۷	۰/۰۰۵	-۰/۵۱۹	۵/۰۲۸	۰/۰۰۰
درآمد	۰/۲۴۹	۰/۰۵۰	-۰/۳۵۱	۴/۸۱۰	۰/۰۰۰
تعداد اعضای خانوار	۰/۰۱۶	۰/۰۴۳	۰/۰۲۵	۰/۳۵۳	۰/۷۲۴
ساعات استفاده از رادیو و تلویزیون	-۰/۰۳۳	۰/۰۴۶	-۰/۰۳۳	-۰/۴۶۴	۰/۶۴۳
مطالعه کتاب	۰/۲۴۹	۰/۰۷۱	-۰/۱۷۸	۲/۵۶۱	۰/۰۱۱
آگاهی از مزایای مشارکت	۰/۲۲۶	۰/۰۷۱	-۰/۳۵۶	-۳/۷۴۵	۰/۰۰۰

بررسی رابطه میان نوع فعالیت‌های اقتصادی پاسخ‌دهندگان و سطح مشارکت آنها در فرآیند مدیریت روستایی بر اساس آزمون توکی نشان می‌دهد از میان گروه‌های شغلی بیشترین سطح مشارکت مربوط به گروه شغلی آزاد می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگانی که بیکار بوده‌اند، در فرآیند مدیریت روستایی، مشارکتی نداشته‌اند.

جدول ۵: مقایسه گروه‌های شغلی بر اساس میزان مشارکت در امور روستا (آزمون توکی)

f	حد بالا	حد پایین	معنی داری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	نوع فعالیت‌های اقتصادی
۲۳/۲۶۳	۱/۴۸۸	۰/۷۲۷	۰/۰۰۰	۰/۱۳۷	۱/۱۰۷*	کشاورز - دولت
	۱/۵۲۲	۰/۵۲۷	۰/۰۰۰	۰/۱۸۰	۱/۰۲۵*	بازنشسته
	۱/۰۷۸	-۰/۰۱۱	۰/۰۵۸	۰/۱۹۷	۰/۵۳۳	بیکار
	۱/۷۷۱	۰/۹۱۴	۰/۰۰۰	۰/۱۵۵	۱/۳۴۲*	آزاد

* معنی داری در سطح پنج درصد می‌باشد.

جهت بررسی موانع اقتصادی و اجتماعی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی از ۱۸ شاخص استفاده شد. بر این اساس، از دیدگاه مردم در بین موانع اقتصادی طبق نتایج به‌دست آمده از میان ۹ شاخص مورد بررسی، پایین بودن سطح درآمد روستاییان با میانگین ۴/۲۱ و کافی نبودن منابع مالی شورای اسلامی روستا با میانگین ۴/۱۵، به‌عنوان مهمترین موانع اقتصادی مشارکت روستاییان شناخته شدند. همچنین از دیدگاه مسئولین کمبود درآمد روستاییان با میانگین ۴۸/۲۸ و بیکاری و فقر بالا با میانگین ۴/۲۱، به‌عنوان مهمترین موانع اقتصادی مشارکت روستاییان شناخته شدند.

جدول ۶: موانع اقتصادی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی

رتبه	انحراف معیار	میانگین (مسئولین)	رتبه	انحراف معیار	میانگین (مردم)	مولفه‌ها
۱	۰/۶۸۹	۴/۲۸	۱	۰/۷۷۱	۴/۲۱	کمبود درآمد روستاییان
۵	۰/۱۷۴	۳/۷۴	۵	۱/۰۶۹	۳/۷۹	نبود رضایت از موقعیت شغلی و اجتماعی
۴	۰/۷۴۸	۳/۷۵	۲	۰/۸۹۴	۴/۱۵	کافی نبودن منابع مالی شورای اسلامی روستا
۲	۱/۰۸	۴/۲۱	۴	۰/۹۲۴	۴	بیکاری و فقر بالا
۳	۰/۹۵۴	۳/۹۷	۳	۰/۹۵۴	۴/۰۶	نبود پروژه‌های اقتصادی در سطح روستاها
۸	۱/۰۱۲	۳/۱۲	۶	۱/۱۴۵	۳/۷۰	عدم بهبود وضعیت اقتصادی مردم در صورت مشارکت

ادامه جدول ۶: موانع اقتصادی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی

رتبه	انحراف معیار	میانگین (مسئولین)	رتبه	انحراف معیار	میانگین (مردم)	مولفه‌ها
۷	۰/۹۲۱	۳/۱۷	۶	۰/۹۴۰	۳/۷۰	عدم وجود منافع مشترک اقتصادی میان مردم روستا
۹	۰/۹۱۱	۲/۵۴	۷	۱/۱۰۸	۲/۸۵	بالا بودن هزینه‌های زندگی در روستا
۶	۰/۹۶۴	۳/۴۱	۵	۰/۹۸۰	۳۹/۷۹	عدم وجود برنامه‌هایی جهت توسعه اقتصادی روستاها
۴	۰/۸۶۷	۳/۷۵	۴	۰/۹۱۵	۴	عدم تخصیص اعتبار و بودجه با توجه به نیاز روستا
۱۰	۰/۸۹۴	۲/۳۸	۸	۱/۰۷۴	۲/۷۹	ناکارآمدی پروژه‌های اقتصادی جهت جذب مردم به مشارکت
۱۱	۰/۹۵۶	۲/۲۴	۹	۱/۰۳۴	۲/۶۴	عدم هزینه‌کرد اعتبارات در چارچوب بودجه از سوی دهیاری و شوراهای

در بین موانع اجتماعی طبق نتایج به‌دست آمده از میان ۹ شاخص مورد بررسی از دیدگاه مردم، عدم نظارت بر عملکرد مدیران فعال در سطح روستا با میانگین ۳/۷۶ و عدم وجود اعتماد متقابل میان دولت و روستاییان با میانگین ۳/۷۰ به‌عنوان مهمترین موانع اجتماعی مشارکت روستاییان شناخته شدند. همچنین از دیدگاه مسئولین وجود روحیه فردگرایی و طایفه‌گری با میانگین ۴/۷۴ و عدم وجود اعتماد متقابل میان دولت و روستاییان با میانگین ۳/۹۱، به‌عنوان مهمترین موانع اجتماعی مشارکت روستاییان شناخته شدند.

جدول ۷: موانع اجتماعی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی

رتبه	انحراف معیار	میانگین (مسئولین)	رتبه	انحراف معیار	میانگین (مردم)	مولفه‌ها
۸	۰/۹۳۱	۲/۷۴	۵	۱/۲۵۳	۳/۱۲	نبود افراد بومی و مهاجرت نخبگان روستایی
۷	۰/۹۱۱	۲/۸۴	۱	۱/۰۷۷	۳/۷۶	عدم نظارت بر عملکرد مدیران فعال در سطح روستا
۵	۱/۰۲۱	۳/۴۴	۶	۱/۱۱۲	۲/۷۳	پایین بودن سطح تحصیلات روستاییان
۱	۰/۷۳۶	۴/۷۴	۳	۱/۰۷۵	۳/۶۱	وجود روحیه فردگرایی و طایفه‌گری
۴	۱/۰۱۴	۳/۶۷	۴	۱/۱۰۵	۳/۵۸	عدم اعتماد مردم به مدیران روستا
۹	۰/۹۵۷	۲/۴۷	۸	۰/۹۵۴	۱/۹۴	انتخاب مدیران غیربومی توسط روستاییان
۳	۰/۹۴۵	۳/۸۵	۵	۱/۰۴۱	۳/۱۲	عدم آگاهی روستاییان از مزایای مشارکت
۶	۰/۷۴۲	۳/۳۴	۷	۱/۱۵۹	۲/۵۸	وجود روحیه تقدیرگرایی در برخی روستاییان
۲	۰/۹۲۲	۳/۹۱	۲	۰/۸۰۰	۳/۷۰	عدم وجود اعتماد متقابل میان دولت و روستاییان
۵	۰/۹۶۴	۳/۴۴	۹	۰/۹۷۵	۱/۹۰	عدم آشنایی مردم با برنامه‌های شورا و دهیاری
۱۰	۱/۱۲۵	۲/۳۵	۱۰	۱/۰۲۴	۱/۶۹	اختلاف بین روستاییان
۱۱	۰/۹۴۴	۲/۳۲	۵	۱/۰۶۴	۳/۱۲	اختلاف شخصی دهیار و مردم با شوراها

تحلیل روابط آماری میان میزان مشارکت خانوارهای مورد مطالعه و سطح توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه به تفکیک ۲۰ روستای مورد مطالعه که از نظر سطح توسعه‌یافتگی از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا قرار داشته‌اند، بر اساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی‌دار آماری میان متغیر وابسته میزان مشارکت روستاییان و متغیر مستقل سطح توسعه‌یافتگی روستاها می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، بر اساس سطح توسعه‌یافتگی، تفاوت معنی‌داری در میزان مشارکت خانوارهای روستایی به دست آمده است. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم است، بنابراین می‌توان گفت با افزایش سطح توسعه‌یافتگی، میزان مشارکت خانوارهای روستایی هم افزایش یافته است.

جدول ۸: تحلیل روابط آماری میان سطح توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه و میزان مشارکت خانوارهای مورد مطالعه، آزمون همگونی کای دو

کل	سطح توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه			مولفه‌ها	
	بالا	متوسط	کم		
۵۱	۴	۱	۴۶	کم	میزان مشارکت خانوارهای مورد مطالعه
۴۹	۱	۴۷	۱	متوسط	
۴۳	۳۷	۳	۳	بالا	
۱۴۳	۴۲	۵۱	۵۰	کل	
سطح معنی‌داری		درجه آزادی	ارزش	آماره آزمون کای دو پیرسون	
۰/۰۰۰		۴	۲۱۲/۹۳		
۰/۸۶۳			ضریب همبستگی		

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

دستیابی به توسعه روستایی بدون مشارکت روستاییان غیرممکن و دشوار است. بنابراین شناخت موانع مشارکت روستاییان و همچنین برنامه‌ریزی جهت رفع این موانع روند توسعه روستایی را تسهیل می‌بخشد. در پژوهش حاضر به بررسی موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان داد از میان ۱۰ مولفه مورد بررسی از دیدگاه مردم و مسئولین، تنها مشارکت مردم در برگزاری مراسم عروسی و عزاداری در وضعیت

مطلوبی قرار دارد. در این میان عوامل مختلفی در کاهش میزان مشارکت روستاییان موثر بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داد، ۱۲/۱ درصد از سرپرست خانوارها بیکار بوده‌اند، از نظر سطح سواد ۴۵/۵ درصد پاسخ‌گویان دارای سواد کمتر از دوره ابتدایی و از نظر درآمدی ۴۳/۵ درصد پاسخ‌گویان کمتر از ۴۰۰ هزار تومان در ماه درآمد داشته‌اند. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد با افزایش میزان درآمد، سطح سواد و سن روستاییان، و سطح مشارکت آنان افزایش یافته و روستاییانی که به مطالعه کتاب پرداخته و از مزایای مشارکت مطلع بوده‌اند، سطح مشارکت بالایی در فرآیند مدیریت روستایی داشته‌اند. تحلیل موانع اقتصادی - اجتماعی مشارکت روستاییان نشان می‌دهد در میان موانع اقتصادی از دیدگاه مردم و مسئولین، پایین بودن سطح درآمد روستاییان به‌عنوان مهمترین عامل، و در میان موانع اجتماعی، از دیدگاه مردم عدم نظارت بر کار شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها، از دیدگاه مسئولین هم وجود روحیه فردگرایی به‌عنوان مهمترین عامل عدم مشارکت روستاییان شناخته شدند. با توجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- از ۲۰ روستای مورد مطالعه تنها ۶ روستا در وضعیت مطلوبی از نظر سطح توسعه‌یافتگی قرار دارد. با توجه به اینکه افزایش سطح توسعه‌یافتگی روستاها، افزایش مشارکت روستاییان را در پی دارد، برنامه‌ریزی جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی این روستاها ضروری می‌باشد.
- با توجه به سطح تحصیلات پاسخ‌گویان، پیشنهاد می‌شود کلاس‌هایی جهت آشنایی روستاییان با مزایای مشارکت و کاهش روحیه فردگرایی آنها برگزار شود.
- گسترش اختیارات شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها می‌تواند افزایش مشارکت روستاییان را به همراه داشته باشد.
- با توجه به سطح بیکاری و کمبود درآمدهای روستاییان، اولویت برنامه‌های عمرانی در جهت گسترش برنامه‌های اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی روستاها متمرکز شود.
- پیشنهاد می‌شود با افزایش بودجه‌های مالی شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها، توانایی آنها در جهت مشارکت دادن مردم در فرآیند مدیریت روستایی افزایش یابد.

الف) فارسی

- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: انتشارات نی. صفحه ۱۰۹.
- افراخته، حسن. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های روستایی. تهران: انتشارات گنج هنر. صفحه ۲۲.
- آشایش، حسین. (۱۳۷۴). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. صفحه ۱۸.
- الوانی، مهدی. (۱۳۷۷). مدیریت عمومی. تهران: انتشارات نی. صفحه ۱۷.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین، و ابراهیمی، محمدمامیر. (۱۳۸۱). نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت. صفحه ۱۲۱.
- پورطاهری، مهدی، همدی مقدم، یلدا و رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۹). ارزیابی عملکرد شوراهای اسلامی در توسعه روستایی، نمونه موردی: دهستان آلاداغ بجنورد. فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، جلد ۴، شماره ۷۰، صفحات ۳۸-۲۳.
- دربان‌آستانه، علی‌رضا. (۱۳۸۴). مدیریت روستایی در برنامه چهارم. مجله دهیاری، سال سوم، شماره ۱۵، صفحه ۱۴.
- دربان‌آستانه، علی‌رضا. (۱۳۸۹). سنجش و تحلیل عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی (مطالعه موردی: شهرستان قزوین). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، جلد ۲، شماره ۷۳، صفحه ۱۰۰.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: انتشارات قومس. صفحه ۲۴۲.
- رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تاثیرگذار. فصلنامه روستا و توسعه، جلد ۲، شماره ۳۸، صفحه ۲۱.
- رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۹). مدیریت توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت. صفحه ۵۹.
- شکوری، علی. (۱۳۹۰). مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های حمایتی با تاکید بر ایران. تهران: انتشارات سمت. صفحه ۸.
- شهبازی، اسماعیل. (۱۳۸۹). درآمدی بر آسیب‌شناسی توسعه روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. صفحات ۶۷-۶۵.
- صیادی، اسکندر. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی روستایی در ایران. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان. صفحه ۱۱۳.
- طالب، مهدی. (۱۳۷۵). مدیریت روستایی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. صفحه ۵.

- طالب، مهدی، و نجفی اصل، زهره. (۱۳۸۹). آموزه‌هایی از روند مشارکت روستایی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، جلد ۲، شماره ۲، صفحه ۲۸.
- عبدالهیان، حمید. (۱۳۸۵). اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران بر اساس عوامل تاثیرگذار بر فرآیند مدیریت در روستاهای ایران. *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، جلد ۱، شماره ۴۶، صفحات ۲۲۷-۲۴۷.
- فیروزنیا، قدیر. (۱۳۹۰). *چشم‌انداز و نظام مدیریت برنامه‌ریزی توسعه کالبدی نواحی روستایی ایران*. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. صفحه ۱۲۹.
- مطبعی، سید حسن و سخایی، فاطمه. (۱۳۸۸). مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، جلد ۴، شماره ۷۰، صفحات ۱۲۱-۱۱۷.
- موسویان، سیدرسول. (۱۳۸۴). *اصول سرپرستی سازمان*. اصفهان: انتشارات ارکان. صفحه ۴.
- وودز، مایکل. (۱۳۹۰). *جغرافیای روستایی فرآیندها، واکنش‌ها و تجربه‌های بازساخت روستایی*. ترجمه محمدرضا رضوانی و صامت فرهادی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. صفحه ۲۶۸.
- هاشمی، سعید، مطبعی لنگرودی، سید حسن، قدیری معصوم، مجتبی، رضوانی، محمدرضا، و مقیمی، سیدمحمد. (۱۳۹۰). *تبیین نقش دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی*، مطالعه موردی: بهاباد استان یزد. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، جلد ۱، شماره ۵، صفحه ۹۷.

ب) انگلیسی

- Fitzgerald, B., Russo, N. L., & Stolterman, E. (2002). *Information systems development: Methods in action*. London: McGraw-Hill. p. 11.
- Franz, C. R., & Robey, D. (1986). Organizational context, user involvement, and the usefulness of information systems. *Decision Sciences*, 17(3), 329-356.
- Heck, B. V. (2nd Eds.). (2003). *Participatory development: Guidelines on beneficiary participation in agricultural and rural development*. Rural Institutions and Participation Service, Rural Development Division. Italy, Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations. p. 32.
- Hophmayer, Sh., & Krozer, Y. (2008). Public participation in rural area water management: Experiences from the North Sea countries in Europe. *Water International*, 33(2), 243-257.
- Jennings, M. (2007). A very real war: Popular participation in development in Tanzania during the 1950s and 1960s. *International Journal of African Historical Studies*, 40(1), 71-95.
- Lange, S. (2008). The depoliticisation of development and the democratisation of politics in Tanzania: Parallel structures as obstacles to delivering services to the poor. *Journal of Development Studies*, 44(8), 1122-1144.

- Leal, P. (2007). Participation: The ascendancy of a buzzword in the neo-liberal era. *Development in Practice*, 17(4-5), 539-548.
- Murray-Li, T. (2007). Practices of assemblage and community forest management. *Economy and Society*, 36(2), 263-293.
- Peris J., Cebillo-Baque, M. A., & Calabuig, C. (2011). Scrutinizing the link between participatory governance and urban environmental management, the experience in Arequipa during 2003-2006. *Habitat International*, (34), 84-92.
- Pollard, S. (2010). Updating public participation in IWRM: A proposal for a focused and structured engagement with Catchment Management Strategies. *Water S. A.*, 34(6), 705-804.
- Puri, S. K., & Sundeep, S. (2007). Role of ICTs in participatory development: An Indian experience. *Information Technology for Development*, 13(2), 133-160.
- Sadashiva, M. (2008). *Effects of civil society on urban planning and governance in Mysore, India* (Doctoral Dissertation). Technical University, Dortmund. p. 8.
- Shah, I. A. (2009). People's participation in rural development projects in the North-West Frontier Province of Pakistan: A comparative review and analysis of Sarhad rural support programmed (SRSP) and integrated rural development project (IRDP). *African and Asian Studies*, 8(2009), 175-184.
- Ward, P. (2010). Participatory development in Jamaica: Does it work in practice. *Social and Economic Studies*, 59(4), 167-196.
- Zhang, H. (2011). Study on factors affecting performance of non-profit organizations in the participatory working methods. *Journal of Agricultural Science*, 2(3), 240-240.